

## خطر فلاکت

### «از گرسنگی تا تشنگی و تاریکی»

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

در حاکمیت بحران زده ی جمهوری اسلامی معیشت در تمام وجوه آن از نان سفرد و فقر غذایی و گرانی سرسام آور مسکن تا قطعی برق و تاریکی و قطعی آب و تشنگی دامن مردم را گرفته است. خطر فلاکت و تنگنای معیشت اکثریت جامعه را در معرض بیماری های حاد و مزمن و بخشا افسردگی و ناامیدی قرار میدهد. مخاطرات ناشی از هوای آلوده و ناامنی های ناشی از تعرض به حریم شخصی و دخالت در نحوه زندگی و بگیر و ببند به بهانه های مختلف از جمله شرایط جنگی کنونی را به شرایط فلاکتبار جامعه اضافه کنید. اینجا جهنم واقعی موعود حکومت اسلامی اما روی همین کره خاکی است.

جمهوری اسلامی در طول حیات ننگینش علاوه بر اعتصابات مکرر کارگری، بارها خیزش های اجتماعی و جنبش های آزادیخواهانه با شراکت اقشار محروم جامعه، زنان، دانشجویان و نسل جوان، فرهنگیان، و... را تجربه کرده است. اما حکومتی که تمام ارگان های دولتی و مجلسی و قضایی و نظامی درگیر حفظ خود و کنترل و مجازات مردم با ابزارهای تعقیب و بازداشت و زندان و اعدام است، هیچ مسئولیتی درقبال زندگی فلاکتبار مردم و معیشت و رفاه جامعه را برعهده ندارد. چرخ زندگی مردم به امان خدایشان رها شده است. میگویند، کم بخورید چرا که در دنیای دیگر نعمات فراوانی منتظر شما است. و امروز هم باید کم بنوشند چرا که در بهشت موعود نهرهای شراب جاری است. به تاریکی عادت کنید، چرا که جمهوری اسلامی اساسا دشمن روشنایی و شادی و نشاط و امنیت در جامعه است. دولت پزشکیان تقصیر را گردن مردم می اندازد و میگوید اگر صرفه جویی نکنید، وضع بدتر می شود!

جمهوری اسلامی در یک کلام تاریخخانه ی زندگی اکثریت بسیاری بالایی از جمعیت ۹۰ میلیون ایرانی است. بحران قطعی مکرر برق و گاز و کمبود آب بعلاوه ی اختلال در حمل و نقل، گرانی نیازمندیهای حیاتی مردم از جمله گرانی نان را تشدید کرده است. ... صفحه ۳

- کارگران جهان متحد شوید!

## وحشیگری سازمان یافته تحت

### حاکمیت سرمایه؛

### خیز به سوی به سرانجام رساندن پروژه

### نسل کشی در غزه



آسو فتوحی

دونالد ترامپ امروز با وقاحت همیشگی اش اعلام میکند که نتانیاهو باید کار حماس را تمام کند. دونالد ترامپ اگرچه چهره برجسته و شاخص لجن مال کردن ارزشهای انسانی جهان است و باید به عنوان بزرگترین همدست و جاده صاف کن فاشیستی ترین دولت تاریخ معاصر در اسرائیل به او مدال جنایت و وقاحت و تعرض به هرچه بویی از انسانیت برده است داد اما نباید همدستانش را از دریافت مدال های مشابه در به خون کشیدن کودکان فلسطین بی بهره کرد. اسرائیل به بهانه حمله ۷ اکتبر حماس "حق دفاع" از خود را از جهانیان طلب میکند. این "حق دفاع از خود" و نابود کردن متجاوز «حماس» نیز شرط لاینفک عملیات است، دول غربی سراسیمه به دفاع تمام عیار از اسرائیل مظلوم سینه چاک کردند و در تدقیق تئوری حق دفاع مشروع اسرائیل از خود و مردم بیگناه اسرائیلی در دستگاه های تبلیغی شان کف بر دهان ظاهر شدند. این همان اسم رمز شروع عملیات دول غربی برای دادن حق پاکسازی تمام و کمال و از بین بردن هر جنبنده ای در غزه است. "حق دفاع از خود" اسم رمزی شد برای حق نسل کشی، حق پاکسازی قومی، حق جنایت جنگی، حق لجام گسیختگی دولت اسرائیل در به خون کشیدن منطقه و "در کنار اسرائیل ایستاده ایم" پرچم تمام دول، نیروها و کسانی شد که یا این توحش و بربریت را ممکن کردند یا از آن حمایت کردند. ... صفحه ۳

## کردستان به کنترهای «کرد» نیازی ندارد

خالد حاج محمدی



در سالهای اخیر اسرائیل تلاش همه جانبه ای کرده است، تا حاکمین بر امریکا را متقاعد حمله نظامی به ایران کند. این اتفاق تا این اواخر نیفتاد، به چند دلیل اول اینکه غرب هیچ آلترناتیو قدرتمند، قابل اتکا، با قابلیت حاکمیت کردن در جامعه متمدن و آزادیخواه ایران، که هم بتواند جایگزین جمهوری اسلامی شود و هم منافع غرب را تامین کند سراغ نداشت. تلاشهای یک دهه گذشته برای شکل دادن به آلترناتیوی قوی و پرو غرب که در میان مردم اعتباری داشته باشد، متشکل از نیروهای مختلف راست، اساسا بدلیل بلوغ سیاسی جامعه ایران، رادیکالیسمی که در جامعه وجود دارد و عدم استقبال مردم تا امروز به نتیجه نرسیده است. علاوه بر این حمله به ایران برای غرب به معنای ورود به جنگی بود که امکان پیروزی در آن روشن نیست و ورود به جنگی طولانی، بدون دستاورد جدی با هزینه های سنگین برای غرب میتواند همان اعتبار باقی مانده غرب و... صفحه ۴

## دولت آلمان؛ اقدامات ضد انسانی یک

### کشور «دمکراتیک» و سرکوب وحشیانه

عدالتخواهی آسو فتوحی - صفحه ۵

آزادی برابری حکومت کارگری

ناجوری بر پیکر جامعه ی ما است. این دمل سرطانی را باید از ریشه کند. دولتی که ناتوان از تامین ابتدایی ترین نیازهای جامعه است باید استعفا دهد و کنار مرود. نظامی که بر تاجر مذهبی بنا گذاشته شده، باید گورش را کم کند. جمهوری اسلامی عامل فروپاشی شیرازه ی مدنیت، امنیت زندگی مردم و معیشت و حیات جامعه است.

تنها با یک فشار اجتماعی و توده ای عظیم جنبش کارگری و تشکل و نهادهای اجتماعی و توده ای میتوان رژیم را به تامین فوری نیازهای معیشتی و امنیت و آزادی جامعه مجبور کرد. نباید جامعه به توقعات نازل از زندگی و رفاه و معیشت تن بدهد. نظام جمهوری اسلامی رژیم ریاضت و مروج و تقدیس فقر است. رژیم ضد زندگی آزاد و مرفه است. باید متحد شد، باید متشکل شد، باید حول مطالبات اساسی از تامین آب و برق و نان شب و بهداشت و درمان و امنیت عمومی جامعه، حول آزادی های سیاسی و پایان زندان و اعدام، متحد شد. راضایتی عمومی تا زمانی که به نیروی متحد و متشکل تبدیل نشود، توان تغییر و تحول در زندانی ما را فراهم نمیکند و امروز برای نجات جان خود و زندگی خود، باید متشکل و متحد شد.

حزب حکمتیست (خط رسمی)  
۵ مرداد ۱۴۰۴ - ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۵



**برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی،  
نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و  
نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در  
دسترسی به ابزار های ارتقا و شکفتن استعداد های  
فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست،  
برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی،  
سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره  
مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش  
اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر  
هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در  
هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل  
تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار  
دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت  
جمعی و اشتراکی کلیه انسان های سهیم در فعالیت  
اجتماعی حاصل میشود.**

قطعی برق علاوه بر تاریکی شب های مردم، تخریب لوازم برقی خانگی و عرق ریختن در هوای ۴۰ تا ۵۰ درجه گرم شهرهای ایران بویژه تهران، صنایع و تولیدات را هم دچار آسیب کرده است که دودش به چشم طبقه کارگر می رود. این شرایط کارگران را با کاهش شیفیت کاری، تعدیل نیرو، مرخصی اجباری، دستمزدها پایین و عدم امنیت شغلی مواجه کرده است. گزارشگران کارگری میگویند کارگرانی که دستمزد ماهانه شان حتی کفاف نیمی از هزینه های خانوار را نمی دهد، در برابر اختلالات پیاپی اقتصادی، تاب نمی آورند. هر ساعت تعطیلی کارخانه، می تواند معادل یک وعده غذای حذف شده، یک قسط عقب افتاده یا یک امید بر بادرفته باشد.

کارگران میگویند، از زمانی که قطعی برق شروع شده است، علاوه بر مصارف خانگی، برق صنایع هم قطع و در نتیجه کارگران زیادی بیکار شدند، حقوق ها نصف شد، امنیت شغلی به خطر افتاد، حتی دیگر قراردادهای کوتاه مدت هم بی ارزش شدند.

وزارت صمت به صاحبان واحدهای صنعتی و تولیدی بخش خصوصی در مقابل ۱۶ ساعت بی برقی و تعطیلی ۳ روز در هفته وعده پرداخت نقدینگی و جبران خسارات وارده به تولیدات را داده است. اما دولت و نهادهایش از پرداخت خسارت یا بیمه ی بیکاری به کارگرانی که شغل و دستمزدشان به خطر افتاده ساکت و لال است. در شرایط امروز بحران انرژی، بیشترین فشار نه بر صاحبان صنایع و مدیران و سهامدارانشان بلکه بر کارگرانی وارد می شود که با قراردادهای کوتاه مدت، بیمه ناکامل و امنیت شغلی شکننده، کار می کنند. نیرویی که ستون اصلی اقتصاد و تولید است، اما قربانیان اصلی بحران های متنوع نظام سرمایه است.

کارگران، مردم زحمتکش!

جمهوری اسلامی آوار نکبت باری است که بر سر جامعه فرو ریخته است. حدود نیم قرن است شرایط فلاکتباری را به بهانه جنگ و تحریم و پرورش نیروهای نیابتی به نام محور مقاومت، به جامعه ما تحمیل کرده است. پاسخ مطالبات اولیه مردم از جمله رفاه و آزادی را با سرکوب خونین پاسخ داده است. نان نیست، برق نیست، آب نیست... اما ماشین اعدام رژیم بیوقفه در کار است. دولت و مجلس مشغول کنترل فضای مجازی و ارتباطات اجتماعی و تهدید مردم اند.

ادامه حیات ننگین این نظام ورشکسته تنها به دلیل ضعف و کمبودهای ما در زمینه تشکل یابی، سازمان های توده ای و تامین رهبری جنبش های اجتماعی است.

طبقه کارگر برای برپایی مجامع عمومی نباید تاخیر کند. جنبش مجمع عمومی کارگری ضامن دفاع از شغل و مزد و معیشت و ابزار دخالت مستقیم طبقه کارگر در حیات جامعه است. امروز زمان ایجاد تشکل های توده ای و مستقل و همبستگی طبقاتی تمام بخش های کارگری است. زمان تشکیل انجمن های زنان سوسیالیست، جوانان انقلابی و ... است.

برای پاسخ به این وضعیت فلاکتبار باید طبقه کارگر جنبش مجمع عمومی خود را برپا کند و پایه های حزب کمونیستی اش را بگذارد. جنبش آزادی زن صاحب رهبری و برنامه و نقشه خود شود. جوانان آزادیخواه و نسل جوان در دانشگاهها و مراکز تحصیلی و فرهنگیان صفوف خود را سازمان یافته و منسجم کنند. با چنین آمادگی است که میتوان یقه حکام مستاصل را چسپید و اعلام کرد که جامعه نمی تواند بیشتر از این به فلاکت تحمیل شده ی شما تمکین کند. نمیتواند تعرض افسار گسیخته ی شما به نان سفره و ابتدایی ترین نیازهای زندگی انسان مثل آب و برق و بهداشت را تحمل کند. جمهوری اسلامی با نگاه و فرهنگ و الگوی قرون وسطایی و دوران متحجر امامان به جامعه ی امروز نگاه می کند. این رژیم وصله

اما جهانیان در طی این دو سال به روشنی نظاره گر واقعیت هایی بودند که در آن اسرائیل نه با حماس، که با تمامی مردم فلسطین وارد جنگ شده. جنگی که هدفش چیزی جز «پاکسازی کامل مردم غزه» و تبدیل غزه به یک گورستان جمعی نیست. این نسل کشی، با حمایت تمام عیار غرب و سکوت مرگبار نهادهای بین المللی و حرفی های حاکی از ابراز نگرانی های شرم آور، در جریان است. اما این جنایت، صرفاً یک تراژدی محلی نیست؛ بلکه نمایی خونی از منطق سیستم رو به زوالی است که برای حفظ هژمونی خود، حاضر است میلیون ها انسان را قربانی کند. ارتجاع جهانی در راستای پیشبرد هدف خونین و جنایتکارانه شان هر ابزاری را به شکلی مدرن کادو پیچ می کنند و با تنوری بافی به اجرا در می آورند. که متاخرترین آن پیشبرد طرح کثیف تحمیل گرسنگی به نزدیک به دو میلیون انسان بیگناه و در محاصره، و بازگشت به بربریت قرون وسطایی است. رژیم صهیونیستی اسرائیل، با قطع آب، غذا، دارو و سوخت، از «گرسنگی به عنوان ابزار نسل کشی» استفاده می کند. این تاکتیک، یادآور جنگهای قرون وسطایی است که در آن شهرها را محاصره میکردند و تمام ساکنانش را از گرسنگی می کشتند. اما امروز، این جنایت با لباس «حق دفاع از خود» توجیه می شود. سازمان های «حقوق بشری» غربی، که زمانی بر سر منفعت شان در تحولات لیبی و مصر فریادشان گوش عرش را میدرد، امروز در سکوت مرگبار خود، «همدست این کشتار» هستند. آمریکا و اروپا نه تنها اسرائیل را مسلح می کنند، بلکه مستقیماً در این نسل کشی شریکند! تحریم ها، وتوهای مکرر در شورای امنیت، و حمایت لجستیکی از مبارزان غزه، همه نشان می دهد که در نسل کشی مردم غزه و پاک کردن فلسطین از نقشه در کنار دولت فاشیست اسرائیل ایستاده است. نقشه شومی که به اعتراف مرتس صدراعظم آلمان قرار است نتانیاهو برایشان به اتمام برساند. دولتهایی مانند آمریکا، آلمان و انگلیس، که ادعای دفاع از «ارزش های دموکراتیک» را دارند، امروز آشکارا از یک رژیم آپارتاید حمایت می کنند. اما چرا؟ پاسخ روشن است: دولت های غربی، ارتش های مدافع سرمایه داری جهانی هستند و «اسرائیل، پایگاه نظامی امپریالیسم در خاورمیانه است» و در راس آن نتانیاهو، قصاب غزه، یاغی هار منطق، مدافع و نگهبان امپریالیسم است. البته باید بر این نکته تأکید کنم که این حمایت نه برای به اصطلاح «دفاع از یهودیان»، که برای حفظ منافع سرمایه داری جهانی است. آنها بدون داشت سگ هاری در منطقه نمی توانند تضمین کنند که منابع انرژی خاورمیانه را در کنترل خود داشته باشند. خطر بالقوه ایجاد جنگ و دخالت نظامی برای سرکوب جنبش های ضد سرمایه داری در منطقه را نمی توانند تضمین کنند، نمی توانند به سادگی امروز به تقسیم بندی فرقه ها و اقوام و مذاهب و ایجاد جنگهای خونین داخلی تأثیر بگذارند و در تعیین حکومت بر مردم تحت ستم در منطقه تأثیر بگذارند. عروج فاشیسم لجام گسیخته اسرائیلی و بی رقیب در منطقه به مثابه موهبتی الهی برایشان است. از سر از دست دادن قوه عقلی نیست که جو بایدن بدون قید و شرط اسلحه به اسرائیل می فرستد یا ترامپ پیام یکسره کردن کار را به نتانیاهو میدهد و یا اتحادیه اروپا از محکوم کردن اسرائیل خودداری می کند، این ها نه «خطاهای سیاسی»، که «اجرای دقیق نقشه های شوم چیده شده امپریالیسم» هستند. اینجا فقط به گزارشات بسیار کوتاهی اشاره میکنم اما منابع و لیست کردن اسناد این جنایت و نسل کشی کتابی به قطر کره زمین است.

UN OCHA - دفتر هماهنگی امور انسان دوستانه سازمان ملل: گزارش های روزانه از کشته شدگان و بریرانی ها در غزه؛ تا ژوئیه ۲۰۲۴، بیش از ۵۰،۰۰۰ کشته (۷۰٪ زنان و کودکان) و ۷۵٪ تخریب ساختمان ها ثبت شده است. محاصره کامل غذا و دارو، قحطی مصنوعی ایجاد کرده است.

Al-Haq - سازمان حقوق بشر فلسطینی: اسرائیل با سیستماتیک کشتن غیرنظامیان و حمله به بیمارستان ها، مدارس، نسل کشی را پیش می برد. بیش از ۵۰۰ خانواده به طور کامل نابود شده اند.

B'Tselem - سازمان اسرائیلی ضد آپارتاید: سیاست های اسرائیل آپارتاید واضح است: شهرک های غیرقانونی در کرانه باختری و حصر ۱۶ ساله غزه، نمونه های بارز نقض حقوق بشرند.

Euro-Med Monitor - استفاده عمدی از گرسنگی به عنوان سلاح: ۹۵٪ جمعیت غزه با کم غذایی حاد مواجهند و ۳۰،۰۰۰ کودک در خطر مرگ ناشی از سوءتغذیه هستند.

UNRWA - ۸۵٪ جمعیت غزه آواره شده اند و ۹۰٪ به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند.

HRW - دیده بان حقوق بشر: حمله به آمبولانس ها و روزنامه نگاران (۲۰۰ مورد ثبت شده) نشان دهنده جنایت سازمان یافته است.

نوام چامسکی: اسرائیل پایگاه نظامی آمریکا در خاورمیانه است؛ کمک های سالانه ۳.۸ میلیارد دلاری آمریکا، این جنایات را ممکن کرده است. نورمن فینکلشتاین: نسل کشی غزه طرحی از پیش تعیین شده است: اسرائیل از ۲۰۰۵ تاکنون غزه را به «زندانی روباز» تبدیل کرده بود.

و به ادعای برخی رسانه های مردمی در غزه و جمع آوری برخی اسناد نشان می دهد سلاح های آمریکایی مانند بمب های ۲۰۰۰ پوندی مستقیماً روی غیرنظامیان در حملات اسرائیل به غزه آزمایش شده است.

به دنبال این وضعیت رسانه های جریان اصلی در نقش کارخانه های تولید رضایت پا به میدان می گذارند. رسانه هایی مانند سی ان ان، بی بی سی و نیویورک تایمز، که خود را «بی طرف» می نامند، امروز دیگر عیان تر از هر زمانی ماشین های تبلیغاتی صهیونیستی بودن خود را به نمایش می گذارند. هر خبری که علیه اسرائیل باشد، سانسور یا تحریف می شود. هر تصویر از کودکان فلسطینی که زیر آوار تکه پاره شده اند، با عنوان «تلفات جانبی» معرفی می شود. مرگ هزاران انسان به ویژه کودکانی که از گرسنگی به دلخراش ترین شیوه جان می دهند را زیر فرش میکنند یا در بی آبروترین فرمت اشک تمساح می ریزند و ابراز نگرانی می کنند و از اسرائیل خواهش می کنند به روش بهتری این قتل و عام را پیش برد تا کمتر زیر فشار مردم کشورشان قرار گیرند. ماجرا برایشان بسیار ساده و قابل فهم است، یک گروه به اسم حماس از مرزهای جغرافیایی که تعریف کرده اند خارج شده و جان چندین بیگناه غیرنظامی را گرفته، این چنین اقدامی در دنیای امروز به درست اسم آن را جنایت، تروریسم و توحش می گذارند. در مقابل این حمله، دولت «مظلوم» اسرائیل نیز در یک اقدام مشابه از مرزهای خود فراتر میرود و جان میلیونی انسانها را می گیرد. نهایتاً معادله را این چنین زیبا به خورد جهانیان میدهند که حماس که دستاورد آغشته به خون تقریباً ۸۰۰ نفر غیر نظامی است تروریست است ولی اسرائیل با رکورد نزدیک به صد هزار نفر کشتار غیر نظامی و تخریب و با خاک یکسان کرده کامل غزه، ناجی بشریت معرفی میشود.

این رسانه ها، همان نقشی را بازی می کنند که روزنامه های فاشیستی در دهه ۱۹۳۰ ایفا می کردند: «عادی سازی جنایت»، «جنانی کردن دفاع مردم از بشریت»، «متوهم کردن به اجلاس و گفتگوهای دروغین بی انتها» و «ایجاد فضای توهم به شرکای جنایت در یافتن راه حل برای قربانیان»، همزمان برای ساکت کردن جنبش اعتراضی علیه این نسل کشی مشترک قدرتهای ارتجاعی از اسرائیل تا آمریکا و اروپا و نظائر گران حراف آن در روسیه و چین و بریکس و ... تلاش میکنند اسرها را به سوی «گفتگو» و «فشار دیپلماتیک» برای مقابله با این نسل کشی برگردانند. اما مردم جهان فریب این دروغها را نمی خورند. اعتراضات گسترده در لندن، نیویورک و برلین و سراسر دنیا نشان می دهد که خیل عظیم معترضین به این سطح از توحش و افسارگسیختگی، به خوبی می دانند «دشمن واقعی کیست! دشمن بشریت کیست! و راه حل هرچه که هست از کریدور پارلمان ها و دولت ها نمی گذرد. تاریخ ثابت کرده که سیاست جنایتکاران و فاشیستها با مذاکره تغییر نمی کند. تنها راه مقابله با این جنایت، «تشکیل جبهه های جهانی از کارگران، دانشجویان، زنان و مردم تحت ستم» است که بتواند:

بایکوت کامل اسرائیل را در سطح جهانی اجرایی کند.

جنگ افروزان و حامیان جنایتکار آن در غرب را در کنار قصابان غزه را به محاکمه بکشد.

از مبارزه برای خلاصی مردم فلسطین حمایت عملی و سیاسی کند. دولتها و قدرتهای هار منطقه را چه آنهایی که با کارت به خون آغشته مردم فلسطین و سنگ به سینه زنان مردم فلسطین را میزنند چه مدافعان فاشیسم در اسرائیل را نه با درخواست و گفتگو بلکه با اعمال زور و مبارزه می توان به زانو در آورد. نسل کشی غزه تنها یک تراژدی انسانی نیست، بلکه آینه ای از وحشیگری سیستم سرمایه داری است. تا زمانی که نظم کثیف کاپیتالیستی وجود دارد، چنین جنایتهایی تکرار خواهد شد. این توحش و نسل کشی اعلام جنگ سرمایه داری و فاشیسم آن به کل بشریت دنیا است و وظیفه هر انسانی در این دنیا این است که نه تنها علیه دولت فاشیستی اسرائیل، بلکه علیه کل سیستم سرمایه داری مولد این فاشیسم وارد نبرد شود. فریاد مردم فلسطین، فریاد همه ماست. هر بمبی که بر غزه می افتد، اعلام جنگ به تمام بشریت است و تنها راه و انتخاب ناگزیر بشریت به زباله دان تاریخ سپردن نظامی است که در هر دم و با دم خود هزاران هزار انسان را یا با جنگ و کشتار یا با گرسنگی و محرومیت یا زیر استثمار وحشیانه نابود میکند.

امریکا و موقعیت آنان را در منطقه با مخاطرات جدی تر روبرو کند. جنگ با ایران برای آمریکا مستقلاً از فاکتورهای بالا، هیئت حاکمه آمریکا را از اهداف استراتژیک و جدال اصلی خود با قدرتهای بزرگ اقتصادی مانند چین دور میکند.

اما استراتژی اسرائیل به میزان زیادی ضرورت جنگ علیه ایران با ورود آمریکا را ضروری کرده بود. اسرائیل و پروژۀ "خاورمیانه جدید" یا "نظم نوین خاورمیانه"، با محوریت و هژمونی اسرائیل، که بخشا دولت ترامپ چه در دوره گذشته ریاست جمهوری او و چه در این دوره به آن تمایل داشت، اسرائیل را در این مسیر مصمم تر کرد. تلاشهای این دوره اسرائیل به بهانه های بی پایه، چه پاکسازی فلسطین و کشتار دسته جمعی مردم آن در نوار غزه و پروژۀ الحاق بخش باختری به خاک اسرائیل که رسماً آنرا تصویب کرده اند و چه حملات به لبنان و سوریه و اشغال مناطقی از هر دو کشور، قدمهای اولیه اسرائیل در این مسیر است. بی تردید و در صورت پیروزی اسرائیل در فلسطین، قدم اول در مسیر "خاورمیانه جدید" با محوریت اسرائیل و با تضعیف حریفان منطقه ای او است. مستقلاً از اینکه این پروژۀ چقدر واقعی باشد یا نباشد، این روند و سیاستی است که هیئت حاکمه اسرائیل در دستور خود قرار داده و سالها است برای اجرای آن میکوشد، امری که ورود به آن در گرو ورود مستقیم آمریکا به جنگ بخصوص با ایران است.

شانس و امکان متحقق شدن این پروژۀ با توجه به موقعیت تضعیف شده آمریکا و موقعیت کنونی اسرائیل، که بشدت ضعیف تر از قبل از ۷ اکتبر است، بسیار محدود و تقریباً غیر ممکن شده است. دو سال کشتار و جنایت غیر قابل تصور در فلسطین به بهانه "جنگ با حماس"، عدم موفقیت اسرائیل در این جنگ علیرغم بمباران و توحشی که علیه مردم فلسطین مرتکب شده است، و هنوز به شکل وحشیانه ای ادامه میدهد، ناتوانی از اشغال کامل حتی نوار غزه، علیرغم کمکهای همه جانبه آمریکا و دولتهای غربی، اعتراضات وسیع جهانی علیه اسرائیل و فشار این جنبش به متحدین اسرائیل در غرب، جدال درونی در هیئت حاکمه اسرائیل با توجه به ناکامی ها و شروع ناراضیاتی در میان مردم این کشور هر چند ضعیف و با تاخیر، انزوا جهانی این کشور، اسرائیل را در بدترین و ضعیف ترین موقعیت آن در تاریخ خود قرار داده است.

حمله به ایران و تحمیل جنگی ۱۲ روزه، با تأیید و حمایت دولت ترامپ، به امید فروریختن بالای جمهوری اسلامی و "رژیم چینج" اسرائیلی- آمریکایی، قرار بود از طرفی یکی از حریفان و قدرتهای منطقه ای را کنار بزند و اسرائیل را در مسیر "خاورمیانه جدید"، قدمی به جلو برد و بعلاوه معضلات کنونی او را حاشیه ای کند. مستقل هر ارزیابی که دولت اسرائیل و رسانه های غربی از این ماجرا میدهند و میکوشند تصویری از پیروزی برای اسرائیل در رسیدن به اهداف خود به خورد مردم بدهند، اما حقیقت این است که اسرائیل در نیمه راه مجبور به عقب نشینی شد و ناچار شد به کمک ترامپ آتش بس و پایان جنگ کنونی را اعلام کند. اما این حقیقت علیرغم تلخی آن برای اسرائیل و متحدین او از جمله در اپوزیسیون جمهوری اسلامی، پایان کار اسرائیل نیست.

اسرائیل و نیروهای نیابتی در ایران

همچنانکه اشاره کردم هدف از حمله به ایران در جنگ ۱۲ روزه پایان جمهوری اسلامی و رژیم چینج اسرائیلی- آمریکایی بود. جنگی که بخشا متکی به همکاری نیروهای در اپوزیسیون جمهوری اسلامی از جمله جریان رضا پهلوی و مجاهد و همکاران دیگر آنان در ایران بود. جنگی که در میان نیروهای ارتجاعی، راست و ضد مردمی هواخواهانی یافت و عده ای رسماً به مبلغ اسرائیل، مدافع حمله به ایران و ادامه بمباران و جنگ، به بهانه ضدیت با جمهوری اسلامی، تبدیل شدند. عده ای روی این جنگ و پیروزی اسرائیل، مستقلاً از عواقب ویرانگر آن برای مردم ایران، شرط بندی کردند و امید به اینکه بر دوش سناریوی اسرائیل و با خاک یکسان کردن شهرها، آنها هم در گوشه ای صاحب پست و مقامی شوند را در سر داشتند. به این اعتبار عده ای برای رسیدن به اهداف ارتجاعی خود، عملاً نقش "نیروی نیابتی" اسرائیل را پیدا کردند. اسرائیل تلاش میکرد در انتهای این پروژۀ ایران بر اساس قومیت و ملیت به چند تکه تقسیم شود. اسرائیل سالها است برای این استراتژی، در همکاری نزدیک با سازمان سیا و حاکمین بر آمریکا با کمک بعضی از کشورهای غربی، تلاش میکند و در همین رابطه سالها است هم در داخل ایران و هم در میان اپوزیسیون امکاناتی را آماده و سازمان داده است. اسرائیل و غرب از مدتها قبل کوشیدند توجه اپوزیسیون راست و بورژوازی را به ضرورت اتحاد و یک کاسه شدن و تبدیل به اهرمی بزرگ و قابل اتکا برای غرب و آلترناتیوی قابل اتکا، جهت فشار به جمهوری اسلامی، جلب کنند.

اسرائیل نیز مانند همه کشورهای دیگر میکوشید در کشمکش خود علیه قدرتهای منطقه ای از جمله جمهوری اسلامی علاوه بر اتکا به نیروی نظامی و اطلاعاتی و جاسوسی خود، به اهرمهایی چه در سطح منطقه و چه در داخل این کشورها متکی شود. سالهای اخیر این سیاست توسط اسرائیل علیه جمهوری اسلامی شدت گرفت و کار ترور و ایجاد ناامنی در ایران، قبل از حمله نظامی مستقیم، توسط اسرائیل و با اتکا به اهرمهایی که از پیش ساخته بود در ایران آغاز شد. جمهوری اسلامی نیز همین سیاست را در سطح منطقه و برای تأمین امنیت خود در ایران پیش برد، همکاری با سوریه، حزب الله لبنان، حشد الشعبی و چند گروه دیگر در عراق، حوثی های در یمن و... از جمله اهرمهای جمهوری اسلامی در منطقه هستند. این نیروها که به نیروهای نیابتی شهرت پیدا کرده اند، چه آنهایی که با ایران همکاری میکنند و چه آنهایی که با اسرائیل، در حقیقت هیچکدام نوکر و اجیر شده اسرائیل و ایران نیستند، بلکه آنها هم در چهارچوب منافع خود و اهدافی که دنبال میکنند وارد همکاری با این کشورها شده اند.

بهر صورت تلاش برای تشکیل جبهه ای بزرگ از اپوزیسیون ایران، از جانب غرب و امروز از جانب اسرائیل، در خدمت اهداف خود امری است در جریان. غرب خصوصاً در سه دهه اخیر و پس از حمله به عراق و ناکامی ها و هزینه های سنگین انسانی، مالی و سیاسی به سازمان دادن نیروهای نیابتی روی آورده است و در غالب جنگهای این دوره از این نیروها در جنگ با دولتهای مخالف خود استفاده کرده است. جنگ در لیبی، جنگ در سوریه و جنگ با داعش در عراق و موصل از این موارد اند. در این جنگها غرب با بمباران وسیع دخالت کرده است و نیروهای نیابتی او روی زمین وارد جنگ شده اند. ارتش آزاد سوریه را غرب سازمان داد، در افغانستان همین کار را کردند و در ایران اسرائیل همین سیاست یعنی بمباران و اتکا به نیروی زمینی، اپوزیسیون ارتجاعی به عنوان نیروی نیابتی، را در سر داشت. حامیان جنگ اسرائیل و متحدین او در اپوزیسیون از رضا پهلوی تا مجاهد و جریانهای مدافع اسرائیل در جنگ اخیر از مهتدی تا جناح چپ آنها حزب حمید تقوایی و انواع دارو دسته های دیگر از مذهبی تا قومی عملاً نقش نیروی نیابتی و عناصر سناریوی اسرائیل را در تحولات ایران بازی میکنند و تمام سیاست خود را در ادامه جنگ و حمله به ایران خلاصه کرده اند و آنرا مبارزه با جمهوری اسلامی و سرنگونی نام گذاشته اند.

کردستان و مبارزه مسلحانه

در چند دهه گذشته کردستان یکی از مناطق پر تحول در جدال مردم آزادیخواه علیه جمهوری اسلامی بوده است. در این جامعه هم کمونیستها نیروهای اجتماعی، با نفوذ و حزب کمونیستی خود را داشته اند و هم ناسیونالیستها نیروی اجتماعی و حزب خود را داشته اند. وجود ستم ملی در این جامعه و مهمتر از آن حمله جمهوری اسلامی به کردستان بعنوان یکی از مهمترین سنگرهای دفاع از انقلاب و آزادی، مایه نفرت عمومی مردم کردستان در تمام تاریخ جمهوری اسلامی از حاکمیت و محل شکل گیری جنبشی توده ای علیه جمهوری اسلامی بوده است. جنبشی که در آن از کمونیستها تا انواع جریانهای مختلف در جنبش ناسیونالیست کرد تلاش کردند مهر خود را به آن بزنند. امروز در صف احزاب ناسیونالیست کرد و در کنار احزاب اصلی آن سیاه ترین و ضد انسان ترین گروهها و باند های قومی و نظامی شکل گرفته و آماده هر خوش خدمتی برای رسیدن به نان و نوایی اند. نیروهایی که اسرائیل در خدمت اهداف خود و برای پیشبرد پروژۀ های خود در ایران روی آنها حساب باز کرده است. سالهای زیادی است اسرائیل روی این پروژۀ کار کرده است و این دوره آنرا به نام "دوستی اسرائیل و مردم کردستان" و "همسرنوشتی" آنها و قالب کردن دولت اسرائیل به عنوان "دوست مردم کرد"، در بوق کرده است. تبلیغاتی که ناسیونالیستهای دو آتشه کرد آنرا دائمی نشخوار میکنند. هدف اسرائیل روشن است، جلب نیروهای اپوزیسیون کرد در خدمت سیاست جنگی و استفاده از آنان به عنوان بازوی نظامی و نیروی زمینی و نیابتی خود. برای اسرائیل در این دوره و مستقلاً از حمله نظامی و جنگ ۱۲ روزه، اپوزیسیون کرد نیروی قابل توجه و با تاریخی است که از نظر او میتواند در کردستان مایه ناامنی برای جمهوری اسلامی شود. میتواند با باد زدن شکاف قومی و با تحریکات قومی، مردم را علیه دولت مرکزی بسیج، انشقاق در میان مردم کردستان و ایران را افزایش، زمینه را برای ایجاد دشمنی کور قومی آماده و در فریاد استراتژی خود و تقسیم ایران، کردستان را به حوزه نفوذ اسرائیل تبدیل کنند. بحث مفصل در این زمینه اینجا ممکن نیست، اما ایجاد ناامنی در کل ایران، ترور و عملیات ایذایی، انفجارات و... حتی به قیمت باز کردن دست جمهوری اسلامی در تشدید سرکوب و اعدام به بهانه مبارزه با نفوذی های اسرائیل، همراه با تحریکات قومی و مذهبی بخشی از این پروژۀ است. تلاش برای شروع عملیات نظامی در کردستان توسط احزاب مسلح کرد، تشکیل ارتش آزاد کردستان که امروز فردی مانند عبدالله مهتدی پرچمدار آن شده است، بخشی از پروژۀ بزرگتر اسرائیل است و برای آن کار و هزینه کرده است. صفحه ۵

## دولت آلمان؛ اقدامات ضد انسانی یک کشور «دمکراتیک» و سرکوب وحشیانه عدالتخواهی

### آسو فتوحی

علیرغم هیاهوی تبلیغاتی رسانه‌ها اصلی در جهان غرب، فاجعه عظیم انسانی و نسل‌کشی دولت اسرائیل باعث شده که چهره واقعی دولت‌ها و قدرت‌های غربی به عنوان نگهدارنده خالص و مخلص نظام سرمایه‌داری و همدستی تمام و کمال با ماشین کشتار دولت اسرائیل آشکار شود. در این میان دولت آلمان گوی را از دست شرکای خود ربوده و هر روز رکورد جدیدتری در تعرض به انسانیت رقم می‌زند. در حالی که مردم جهان فریاد عدالتخواهی برای مردم فلسطین سر می‌دهند، دولت آلمان با تمام قوا در حال سرکوب هر صدای مخالف، هر حرکت اعتراضی و هر نشان انسانی از همبستگی با مردم غزه است.

دولت آلمان، تحت رهبری ائتلاف حاکم، به صراحت از نسل‌کشی اسرائیل در غزه حمایت کرده و هرگونه انتقاد از این جنایت را «یهودی

ستیزی» قلمداد می‌کند. اما این سناریوی نخ‌نما که هدفی جز سرکوب سیستماتیک آزادی بیان و اعتراض صدها هزار نفر از مردم متمدن به نسل‌کشی در فلسطین ندارد، قادر نیست تا در برابر خیل عظیم افکار مترقی و مردم آزادیخواه در آلمان و سایر نقاط اروپا دوام آورد و جامعه را به قهقرای سکوت و سرکوب بکشاند.

حاکمیت در آلمان سیاست دیگری که در دستور دستگاه سرکوب اش قرار داد این بود که در شهرهای مختلف، تظاهرات در حمایت از مردم فلسطین را ممنوع یا با محدودیت‌های شدید مواجه کرد. برای مثال، در برلین و فرانکفورت، پلیس با خشونت قرون وسطایی تظاهرکنندگان را مورد هجوم وحشیانه قرار می‌دهد و سعی در متفرق کردن آنها دارد و صدها نفر را تاکنون بازداشت نموده است که باز با موج عظیم تری از تظاهرکنندگان در دفعات بعدی روبرو میشوند.

در ادامه این سناریو، حمله به فعالان اجتماعی را به امید سرکوب جامعه در پیش گرفته است، ویدیوهای و گزارش‌های متعدد و اظهارات مردمی از یورش پلیس به خانه‌ها و محل کار فعالان اجتماعی حکایت دارد. پرونده سازی علیه مدافعان فلسطین، بازداشت‌های خودسرانه و احضارهای مکرر، بخشی از این سیاست‌ارباب سیستماتیک است.

بازگشت به عصر حجر

پلیس آلمان، که خود را به اصطلاح «حافظ دمکراسی» مینامد، در برخورد با تظاهرات‌های مدافعین مردم فلسطین و یا تظاهرات‌های علیه جنگ و نسل‌کشی از هیچ خشونت‌دی در بیخ نمی‌کند. صفحه بعد

کردستان به کنترهای کرد نیازی ندارد...

قرار است کردستان دروازه قدرت‌گیری نیروهای ارتجاعی و پرو اسرائیلی، دروازه به تباهی کشیدن زندگی مردم، دروازه رژیم چینج اسرائیلی-امریکایی شود.

هرچند اسرائیل در حمله به ایران به اهداف خود نرسید. اما سیاست خود مبنی بر رژیم چینج با دامن زدن به تحریکات قومی و مذهبی و نظامی و ترور و انفجارات برای نا امن کردن ایران، را از دستور خود خارج نکرده است. طی همین مدت ما شاهد انواع انفجارات در مراکز نفتی و اقتصادی بودیم که جمهوری اسلامی با توجهات رایج تلاش کرد آنها را "اتفاقات طبیعی" و ناشی از نشت گاز و غیره قلمداد کند. همزمان در بلوچستان گروه‌های مرتجع مذهبی از جمله جیش العدل و ... به جنب و جوش افتاده اند و هر از چند گاهی دست به عملیاتی ایذایی می‌زنند. این گروه‌ها که مذهبی و متعصب غالباً سنی هستند، هر یک به دولتی وصل و بودجه می‌گیرند. در کردستان طی همین مدت شاهد چندین عملیات ایذایی بوده ایم که تنها یکی از آنان را پڑاک به عهده گرفته است و کسی مسئولیت سایر آنها را به عهده نگرفته است. اما همین عملیاتهای ایذایی را عده ای به نام کار "قهرمانانه پیشمرگان" ستوده اند و همراه آن مشت‌های تحریکات قومی و فاشیستی علیه غیر کرد زبانان راه انداخته اند که معلوم است از کدام گروه و جریان قوم پرست هستند.

این اقدامات تا جایی که به کردستان برگردد ادامه مبارزه مسلحانه توده‌ای گذشته نیست و تلاش عده‌ای در تمجید از آن به عنوان ادامه کار پیشمرگانه، بعنوان بخشی از این مبارزه و مقاومت توده‌ای علیه جمهوری اسلامی یک حقه بازی سیاسی است. توجیه تبدیل شدن به نیروی زمینی اسرائیل و "ارتش آزاد سوریه" زیر عنوان مبارزه مسلحانه مردم کردستان و احزاب سیاسی، با پرچم تقدس مبارزه مسلحانه و حذف اهداف و سیاست حاکم بر این مبارزه، یک شیادای سیاسی است.

به این باندهای جانی و سناریوی سیاهی و مبلغین شان باید گفت: داعش هم مبارزه مسلحانه کرده است، جبهه النصر و طالبان و القاعده هم مبارزه مسلحانه کرده و میکنند، عملیتهای نظامی این دوره چه در بلوچستان و چه کردستان از جنس کار آنها است. مبارزه مسلحانه در گذشته از جانب ما در کومه له امتداد مبارزات وسیع توده‌ای و مقاومت توده‌ای در مقابل جمهوری اسلامی بود. در اینکه مردم حق دارند در مقابل دولت مرکزی تا دندان مسلحی که با زور اسلحه خود را تحمیل کرده است، دست به اسلحه ببرند و مسلح شوند، حرفی نیست. مردم کردستان و ما کمونیست‌ها حق داشتیم برای مقابله با ارتجاع و در دفاع از انقلاب و آزادی در برابر حملات نظامی جمهوری اسلامی دست به مبارزه مسلحانه توده‌ای بزنیم. آنچه امروز چه در بلوچستان و چه در کردستان اتفاق می افتد حتی از نوع مبارزه چریکی و آوانتوریستی نیست، بلکه اقدامات

ماجراجویانه گروه‌های مرتجعی است که زیر سیاست جنگ طلبی اسرائیل انجام می‌گیرد و مستقیم یا غیر مستقیم تابع سیاست اسرائیل در جدال خود با جمهوری اسلامی است. جدالی که فرسنگها با جدال مردم آزادیخواه در ایران با جمهوری اسلامی، با ارتجاع منطقه‌ای و منجمله با اسرائیل و نسل‌کشی آن در فلسطین، فاصله دارد.

اقدامات مسلحانه کنونی مستقل از اینکه از نظر سیاسی در دایره تلاش اسرائیل برای ترور، انفجارات، آتش سوزی و اقدامات نظامی با هدف ناامن کردن جامعه و در کنار آن تحریکات قومی و مذهبی برای ایجاد نفاق و دشمنی و جنگهای قومی و مذهبی انجام می‌گیرد. این عملیاتهای تروریستی و ایذایی از نظر نظامی لطمه بزرگی به جمهوری اسلامی نمی‌زند، اما بیشترین لطمات را به مبارزات جاری در ایران و مشخصاً کردستان می‌زند. این نوع عملیاتها بهترین مستمسک برای افزایش میلیتاریسم در کردستان، تبدیل محل کار و زندگی مردم به پادگان، دستگیری و تعرض به مردم به نام مبارزه با گروه‌های مسلح و ... توسط جمهوری اسلامی است. اقدامات مسلحانه کنونی مستقل از اینکه چقدر مستقیم و با همکاری یا در چهارچوب نقشه اسرائیل و به تصمیم او انجام می‌گیرد یا نه، اگر ادامه پیدا کند، علاوه بر پیامدهای خطرناک برای صاحبان آن، بیشترین لطمات را به مبارزات توده‌ای علیه جمهوری اسلامی می‌زند.

مردم کردستان امروز و در توازن قوای کنونی مطلقاً خواهان اینگونه فعالیتها نیستند. کارگران، اقشار محروم و زنان و نسل جوان آزادیخواه چه در ایران و چه در کردستان، در کنار هم و به عنوان یک جنبش سراسری برای رفاه و آزادی و برابری کوشیده و میکوشند. بی تردید سرنگونی جمهوری اسلامی اولین قدم در رسیدن به این هدف است. اما رسیدن به این هدف نه توسط اسرائیل و امریکا انجام می‌گیرد و نه توسط حواریون آنها در اپوزیسیون.

جنگ مردم آزادیخواه در ایران علیه جمهوری اسلامی، اهداف و آینده‌ای که مردم مصمم اند و تلاش میکنند به قدرت خود بسازند، هیچ قرابتی با جنگ، اهداف و آینده سیاهی که قدرتهای ارتجاعی از اسرائیل تا امریکا ندارد. مسلم است که طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه، زن و مردم و جوان آزادیخواه در ایران، برای سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان عمر ننگین آن میکوشند. اما آنها در این مسیر احتیاجی به کمک جانیته‌کاران و قصابان مردم فلسطین، به سپاه ترین دولت تاریخ بشر و حاکم بر اسرائیل ندارند. سرنگونی جمهوری اسلامی در نهایت به احتمال زیاد ضرورت دست بردن به اسلحه و با قیام مسلحانه و شهری انجام بگیرد و اما نیروها و گروه‌های مسلح و ضد بشری که توسط اسرائیل یا امریکا به عنوان "ارتش آزاد ایران" و یا "سپاه کرد" نه تنها بخشی از این تصویر نیست، بلکه مهره‌های سیاسی و نظامی و مخرب در مسیر سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی هستند. مردم ایران و کردستان به کنترهای ایران به گانگسترهای نظامی، به جبهه النصر و حشدالشعبی‌های ایرانی یا کرد و بلوچ نیاز ندارند.

# نينا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena

hekmatist.com

تماس با حزب

@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: آذر مدرسی

## دولت آلمان: اقدامات ضد انسانی...

ضرب و شتم، استفاده از گاز اشک آور و باتوم، و گارد آموزش دیده ضد شورش و بازداشت‌های جمعی، نشان دهنده رویکرد کاملاً وحشیانه و ضد انسانی پلیس و ساختار فکری هیئت حاکمه این کشور است. ویدئوهای متعددی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست میشوند که نشان میدهد پلیس آلمان با بیرحمی و وقاحت تمام به معترضان مسالمت جو حمله میکند، از جمله آن ضرب و شتم زنان و سالمندان شرکت کننده است. در همان حال رسانه‌های جریان اصلی آلمان، تحت کنترل دولت، اخبار مربوط به خشونت پلیس را سانسور و جنبش‌های مردمی را «افراطی» و «خرابکار» معرفی میکنند.

آلمان نه تنها از اسرائیل در گذشته و حال حمایت سیاسی و نظامی کامل را داشته اما به ویژه از ابتدای شروع نسل‌کشی این حمایت‌ها را چندین برابر و در راس سیاست و بودجه خود قرار داده، بلکه با سرکوب مخالفان داخلی، تلاش میکند تا فضای بین‌المللی را برای ادامه جنایت در غزه مساعد نگه دارد. این کشور به اصطلاح مدافع «دمکراسی» یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان سلاح برای اسرائیل است تا با این همکاری مستقیم در کشتار مردم غزه نقش قهرمان در این جهنم را ایفا کند.

دستگاه‌های تبلیغاتی آلمان، با پوشش جانبدارانه، جنایت‌های اسرائیل را توجیه می‌کنند و مخالفت‌های معترضین داخلی به نسل‌کشی در فلسطین را به حمایت از «تروریسم» جعل نویسی می‌کنند.

دولت آلمان به روشنی میداند که جنبش حمایت از مردم بی‌دفاع فلسطین در برابر ارتش‌ها و تا دندان مسلح دولت فاشیست اسرائیل و هم‌پیمانان غربی‌اش، تنها یک مسئله خارجی نیست، بلکه شعله‌های آتشی است که در اعتراض به کل نظام سرمایه‌داری به عنوان مسبب این دنیای سیاه و خونین است. هرچه فشار جهانی بر اسرائیل بیشتر می‌شود، دولت‌های غربی مانند آلمان بیشتر وحشت می‌کنند که مبادا این آگاهی طبقاتی و مبارزه جهانی دامن سیستم خودشان را به عنوان شریک در اوضاع بحرانی داخلی و خارجی کشورهای خودشان بگیرد و در نتیجه با گسترش روزافزون خیل معترضین به ظلم، جنایت، سرکوب، کشتار، بی‌حقوقی و ... دستگاه سرکوب و پلیس خود را وحشیانه تر و هارتر به میدان می‌فرستند.

سرکوب دولت آلمان نشان می‌دهد که «دمکراسی» بورژوازی تنها نقابی برای پوشاندن چهره خشن ن‌ام سرمایه‌داری است. اما تاریخ ثابت کرده است که هیچ سرکوبی نمیتواند اراده مردم را برای عدالت خاموش کند. وظیفه ماست که این جنایات را افشا کنیم، صفوف مبارزه را متحد سازیم و علیه تمام اشکال ستم، تا برچیدن ساختار گندیده سرمای‌داری مبارزه را ادامه دهیم.

زنده باد همبستگی بین‌المللی

